

تحلیل تطبیقی نامه‌های امام علی (ع) به معاویه با آیات نفاق قرآن

محمد حسن کفش‌کنان^۱
 مهدی مردانی (گلستانی)^۲

چکیده

یکی از متون درخور توجه در سیره سیاسی امام علی (ع)، مکاتبات حضرت با معاویه است. از سوی دیگر شماری از آیات قرآن درباره منافقان نازل شده که دارای سبک و ادبیاتی متفاوت با دیگر آیات است. این پژوهش کوشیده است تا با بررسی تطبیقی بین این دو منبع، میزان همسویی کلام امام علی (ع) خطاب به معاویه را با آیات قرآن درباره منافقان سنجیده و ارتباط آن دو را با رویکردی متن‌شناختی مورد ارزیابی قرار دهد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در اکثر موارد سبک کلام امام علی (ع) موافق سبک کلام پروردگار بوده و تعبیر و مضامین به کار رفته در هر دو منبع، از هماهنگی قابل توجهی برخوردار بوده است. این سازگاری از یک سو، نشانگر پیوند تنگاتنگ قرآن و نهج البلاغه و در نتیجه وثاقت کلام امام علی (ع) است و از دیگر سو، گواه روشنی بر چهره منافقانه معاویه به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: رابطه قرآن و نهج البلاغه، سبک‌شناسی نهج البلاغه، مکاتبات امام علی (ع) و معاویه، منافق در قرآن، معاویه در نهج البلاغه.

۱. کارشناس ارشد دانشگاه قرآن و حدیث، kafshkanan1365@gmail.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه قرآن و حدیث، mardani.m@qhu.ac.ir

رابطه نهج البلاغه با قرآن کریم و تحلیل ابعاد، زوایا و لایه‌های گوناگون آن، یکی از حوزه‌های شایسته پژوهش در مطالعات نهج البلاغه است که با وجود انجام تحقیقات متعدد در این باره^۱، همچنان دارای عرصه‌های بکر و قابل بررسی است که مطالعه تطبیقی - تحلیلی این دو منبع از جمله آنهاست. در این میان بررسی مواجهه امام علی علیه السلام با معاویه در نامه‌های نهج البلاغه و خطابات خداوند متعال با منافقان در قرآن کریم، یکی از مصادیق مهم این دست از مطالعات تطبیقی است. ویژگی این دو منبع قرآنی - روایی آن است که بخش قابل توجهی از نامه‌های امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، خطاب به معاویه و بخش مهمی از آیات قرآن کریم، درباره منافقان صادر شده است که این امر خود ضرورت بررسی روشمند این دو دسته از متون دینی را آشکار می‌سازد. علاوه بر آنکه، جایگاه تأثیرگذار این دو منبع در بین مسلمانان، نقش کاربردی این پژوهش در شناخت نحوه تعامل با منافقان را برجسته ساخته است.

شایان ذکر است که تاکنون درباره نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه تحقیقات گوناگونی صورت گرفته است؛ چنان که برخی از آنها اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام را استخراج کرده‌اند^۲ برخی به شرح و تفسیر عبارات نامه‌ها پرداخته‌اند^۳، برخی نامه‌های امام علی علیه السلام و معاویه را بصورت یکجا در برابر هم قرار داده و به قضاوت نشستند^۴، برخی به بررسی تطبیقی بین حکومت امام علی علیه السلام و معاویه پرداخته‌اند^۵ و مطالعات موردی هم توسط بعض دیگر انجام شده است^۶، لیکن در خصوص موضوع پژوهش در این مقاله، سابقه و پیشینه مشخصی به دست نیامد.

۱. چنان که گردآوری و مقایسه موضوعات مشترک و نیز استخراج اقتباس‌های قرآنی نهج البلاغه از جمله این پژوهش‌هاست. برای نمونه ر.ک: رابطه نهج البلاغه با قرآن؛ قرآن در آینه نهج البلاغه؛ «روابط بینایی قرآن با خطبه‌های نهج البلاغه»، ص ۲۰۵-۲۲۴.
۲. ر.ک: بهشتی، احمد، ماهنامه مکتب اسلام، اردیبهشت ۱۳۸۵، ص ۱۴؛ جانی پور، محمد، پژوهشنامه قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۲۱-۱۴۸.
۳. ر.ک: نوری، سیداسماعیل (۱۳۷۲)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۴. ر.ک: جانی پور، محمد، ۱۳۹۰؛ زبیدی، عبدالرضا، ۱۳۷۹.
۵. ر.ک: عمرانی، سجاد (۱۳۹۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث شهرری؛ کریمی، علی (۱۳۸۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۶. ر.ک: رستمی نجف آبادی، محمد، فصلنامه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، تابستان ۱۳۸۷، ص ۷۹-۱۰۳؛ چلونگر، محمد علی، فصلنامه علوم حدیث، پاییز ۱۳۸۹، ص ۸۰-۹۲؛ اسلامی خرمی، روح الله (۱۳۸۹)، پایان‌نامه سطح سه، حوزه علمیه قم.

۱- تحلیل نامه‌های معاویه به امام علی علیه السلام

۱-۱ برون‌مایه نامه‌ها

تعداد نامه‌های معاویه به امام علی علیه السلام حدود ۲۰ نامه است که به‌طور پراکنده در کتاب‌های مختلف ذکر گردیده است (بحار الانوار، ج ۳۳، صص ۵۷ - ۱۵۸). این نامه‌ها علی‌رغم آنکه حاوی مطالب پوچ و بی‌ارزش و لبریز از دروغ و باطل است، اما ظاهری آراسته و پیراسته دارد و برای انسان‌های بی‌اطلاع جذاب و خواندنی جلوه می‌کند. از این رو، امام علی علیه السلام در عین آنکه این زیبایی را منصفانه یادآور شده، ولی هم‌زمان به محتوای باطل آن نیز گوشزد کرده‌اند. ایشان در این باره فرمودند:

«اندرز نامه‌ای از تو به من رسید با جمله‌هایی پربافته، و عباراتی که به ضلالت خویش آراسته بودی، و از روی بداندیشی روانه کرده بودی» (نهج البلاغه، نامه ۷).

اما در طرف مقابل، معاویه هیچ‌گاه به زیبایی‌های نامه‌های امام علی علیه السلام اشاره‌ای نکرده، بلکه آنها را افسانه خوانده است (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۸، ص ۲۹۴).

۱-۲ درون‌مایه نامه‌ها

از آنجا که نامه‌های معاویه برخاسته از حقیقت نبود و گفتارش منطوق و حجتی نداشت، مطالب در نامه‌هایش مرتباً تکرار می‌شود و تقریباً می‌توان گفت تمام نامه‌های معاویه حاوی مباحثی تکراری است؛ از این رو، نمی‌توان یک سیر موضوعی و هدفمندی را در نامه‌های معاویه مشاهده کرد. از سوی دیگر، نامه‌های معاویه حاوی مطالب متناقض و ناسازگاری است که خود دلیلی بر بی‌خردی نویسنده آن است.

به عنوان مثال وی در جایی از امام علی علیه السلام تعریف کرده و ایشان را شایسته‌ترین فرد به خلافت معرفی می‌کند (سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۷۴۹) ولی در جایی دیگر، امام علی علیه السلام را تحقیر نموده و حق خلافت ایشان را باطل می‌پندارد (سلیم ابن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۷۶۵؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۷، ص ۲۴۷). در زمانی که امام علی علیه السلام با منطق و دلسوزی با او سخن می‌گوید، اعلام جنگ می‌کند (وقعة صفین، ص ۱۵۱) و در زمان بحبوحه جنگ اظهار پشیمانی کرده و خواستار آتش بس می‌شود (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۸، ص ۸۵). با این همه، برخی موضوعات در مکاتبات معاویه پر رنگ ظاهر شده است که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.



۱-۲-۱ خونخواهی عثمان

آغاز جریان سازی معاویه علیه امام علی علیه السلام، با ادعای خونخواهی عثمان است و او مرتب در نامه‌هایش از آن سخن می‌گوید. معاویه در این قسمت معمولاً ضمن اقرار به فضیلت و حق خلافت امام علی علیه السلام، ادعای پوچ خود را مطرح می‌کند و از ایشان می‌خواهد که قاتلان عثمان را تحویل او دهند تا بیعت کند (سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۷۴۹).

معاویه از این فضای تبلیغاتی می‌توانست دو گروه از مردم را تحت تأثیر قرار دهد، یکی اهل شام که از مدینه و واقعیات رخ داده در آن دور بودند، و دیگر نسل بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله که جایگاه امام علی علیه السلام نزد ایشان را نمی‌شناختند. انگیزه معاویه در سهیم شمردن امام علی علیه السلام در قتل عثمان آن بود که شایستگی امام علی علیه السلام برای خلافت را به طعن گیرد و از همین رهگذر، فضای دلخواه را برای دستیابی خود به قدرت مهیا سازد. معاویه این سیاست شیطانی را حتی پیش از کشته شدن عثمان پیش گرفت. این واقعیت زمانی آشکار شد که عثمان برای مقابله با آشوبگران از معاویه درخواست نیروی کمکی نمود، اما معاویه در این کار تعلل کرد. لذا از عثمان نقل شده است که به معاویه گفت:

«تو می‌خواهی من کشته شوم و سپس خود را خونخواه من بشماری» (ترجمه تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۲).

البته در بخش تحلیل نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه، بیان خواهیم کرد که امام علی علیه السلام از تمام زوایا به این مسئله پاسخ داده و با دلیل و برهان و نیز تبیین واقع بینانه جریان قتل عثمان، نشان دادند که متهم اصلی قتل عثمان، خود معاویه بوده است.

۱-۲-۲ تهمت و بدگویی به امام علی علیه السلام

معاویه پس از ناکامی در مسئله خونخواهی عثمان، لحن کلامش را تغییر داده و به بدگویی و ایراد تهمت به امام علی علیه السلام می‌پردازد. او تا آنجا پیش می‌رود که امام علی علیه السلام در نامه‌ای می‌نویسند:

«اگر می‌توانستی برتری‌ام در اسلام و قرابت‌م با پیامبر صلی الله علیه و آله و جایگاه‌م در بن‌ی‌هاشم را رد کنی، این کار را انجام می‌دادی» (شرح نهج البلاغه، ابن میثم، ج ۴، ص ۳۵۵).

برخی تهمت‌ها و بدگویی‌های معاویه به امام علی علیه السلام از قرار ذیل است:

الف) حسد به خلفا و طغیان علیه آنان (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۸، ص ۱۲۶)؛

ب) صحیح نبودن بیعت مردم با امام علی (ع) و عدم شایستگی ایشان برای خلافت (همان،

ج ۷، ص ۲۴۷)؛

پ) یکسانی بنی امیه و بنی هاشم و عدم برتری امام علی (ع) (همان، ج ۹، ص ۱۷۶)؛

ت) باطل شمردن ادعای امام علی (ع) مبنی بر جانشینی پیامبر (ص) به دلیل عدم اجابت

مردم (سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۷۶۵)؛

ث) قتل طلحه و زبیر و تبعید عایشه (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۷۶)؛

ج) ایجاد تفرقه بین مسلمانان و ریختن خون آنان (همان، ج ۷، ص ۲۴۶)؛

چ) نسبت گمراهی، کم عقلی، آرزوی دراز داشتن، دروغ گویی، حسادت، طمع ورزی، جنگیدن

برای حکومت، شرارت و... (همان، ج ۷، ص ۲۴۷ و ج ۸، صص ۶۲-۶۳ و ۲۹۳-۲۹۴).

معاویه کاملاً آگاه بود که امام علی (ع) در دین داری از پیشینه ای درخشان بهره مند است و از این رو، نمی تواند با او رویارویی نماید، مگر آن که قداستش را نزد افکار عمومی در هم کوبد و حریمش را در پیشگاه عواطف مردم بشکند. نامه نگاری های وی به امام علی (ع) گامی در همین مسیر بود که با دشنام دهی به امام علی (ع) بر منابر ادامه یافت (دانشنامه امیرالمؤمنین (ع)، ج ۵، ص ۴۸۴). اما امام علی (ع) در برابر این تهمت ها و بدگویی ها موضع گیری های متفاوتی داشت. ایشان علی رغم اینکه خلافت پس از پیامبر (ص) را حق غصب شده خویش می شمارند و کراهتشان را نسبت به خلافت ابوبکر، عمر و عثمان انکار نمی کنند، لیکن طغیان علیه خلفا را نفی می کنند (همان، ج ۸، ص ۵۶).

امام علی (ع) برای اثبات صحت بیعتشان به تشابه بیعتشان با بیعت خلفای پیشین اکتفا می نماید. ایشان بیعت مردم با خود را از روی آگاهی معرفی می کنند، در حالی که بیعت با خلیفه اول از روی رأی عمومی نبود، خلیفه دوم توسط خلیفه اول منصوب شد و خلیفه سوم هم با نقشه خلیفه دوم انتخاب شد (سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۷۵۳). امام علی (ع) یکسان بودن بنی هاشم و بنی امیه را به خاطر ایمان آوردن یکی و کافر شدن دیگری نفی می کنند (نهج البلاغه، نامه ۶۴). در پاسخ به عدم اجابت مردم پس از رحلت رسول خدا (ص) به نقل پیشگویی های پیامبر (ص) درباره حوادث خلافت می پردازند، همچنین تاریخ را مثال می زنند که پیامبرانی چون زکریا و یحیی توسط قومشان کشته شدند (سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۷۷۳). در مورد اتهام قتل طلحه و زبیر و تبعید عایشه نیازی به پاسخ نمی بینند و پاسخ آن را به عهده

تاریخ می‌گذارند. در اتهام تفرقه میان مسلمانان و ریختن خون آنان، انگشت اتهام را به سمت معاویه برمی‌گردانند (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۷، ص ۲۴۷)، ضمن اینکه برای حفظ خون طرفین جنگ، معاویه را به جنگ تن‌به‌تن دعوت می‌کنند (نهج البلاغه، نامه ۱۰).
در حقیقت امام علی علیه السلام اتهام‌ها را مطابق توصیه قرآن کریم با جدال احسن (نحل/۱۲۵) پاسخ می‌دهند اما بدگویی‌ها را نادیده می‌گیرند و به صورت غیرمستقیم پاسخ می‌دهند. در واقع، امام علی علیه السلام در بیشتر نامه‌هایشان با بیان فضائل خود و روایات بسیار پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد خودشان و اشاره به جایگاهشان در قرآن کریم (الفارات، ج ۲، صص ۱۹۵-۲۰۴)، نشان دادند که این بدگویی‌ها به‌گوبنده‌اش مناسب‌تر است.

۱-۲-۳ درخواست حکومت

معاویه پس از عدم موفقیت در متهم ساختن امام علی علیه السلام به قتل عثمان و نیز تخریب جایگاه ایشان، تیر خلاص را رها کرده و آشکارا خود را طالب حکومت معرفی می‌کند. در واقع هدف معاویه از روز اول که ادعای خونخواهی عثمان را مطرح ساخت، از دست ندادن حکومت شام و نرفتن تحت بیعت امام علی علیه السلام بود، لیکن برای همراه ساختن افکار عمومی باید حقیقت را وارونه جلوه می‌داد و به انواع دروغ‌ها روی می‌آورد. اما چون سابقه تاریکش حرفی را برای او باقی نمی‌گذاشت و در ابتدا نیز نمی‌خواست خواسته‌اش را آشکار بیان کند، ناچار به ضعیف‌ترین شبهات روی آورد. او در یکی از نامه‌هایش در میدان صفین این‌طور نوشته است:

«من از تو حکومت بر سرزمین شام را درخواست کردم که اطاعت و بیعت تو بر من نباشد، اما تو ابا کردی، پس خدا به من عطا کرد آنچه را تو منع کردی، و من امروز تو را دعوت می‌کنم به آنچه دیروز دعوت کردم» (وقعة صفین، ص ۴۷۱؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۸، ص ۸۵).

معاویه با جسارت تمام حکومت بر شام را حق خود می‌داند، اما حق حاکمیت مردمی امام علی علیه السلام را انکار می‌کند. او پس از تبادل نامه‌های بسیار با امام علیه السلام در میدان صفین، در آخرین نامه‌اش به یک جمله اکتفا می‌کند:

«گوارا باد بر تو تملک آخرت، و گوارا باد بر ما تملک دنیا» (سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲،

۲- تحلیل نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه

تعداد نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه که در نهج البلاغه ذکر گردیده، شانزده نامه است^۱. سه نامه در نهج البلاغه نیز در مورد معاویه خطاب به جریر، عمروعاص و زیاد ابن ابیه گزارش شده است (نامه‌های شماره ۸، ۳۹ و ۴۴). اما اگر نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه را در دیگر منابع جستجو کنیم، تعداد آنها به حدود ۵۰ نامه می‌رسد که از جمله منابع گزارش کننده مکاتبات امام علی علیه السلام به معاویه، الغارات ثقفی، وقعة صفین نصر بن مزاحم، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و مکاتیب الائمة علیهم السلام علی احمدی میانجی است. زمان نگارش این نامه‌ها نیز مختلف بوده است؛ برخی مربوط به اوایل حکومت امام علی علیه السلام و برخی نیز مربوط به زمان جنگ‌های جمل، صفین و نهروان.

۲-۱ طرفین مکاتبه

قبل از تحلیل درون‌مایه نامه‌های امام علی علیه السلام، شایسته است از برون، به مکاتبات و طرفین آن بن‌گریم. نخستین و مهم‌ترین نکته‌ای که در بررسی این مکاتبات جلب توجه می‌کند، همسانی شگفت‌آوری است که میان دو طرف مکاتبه برقرار شده و کار به‌جایی رسیده است که امروز ما بگوییم نامه امام علی علیه السلام و نامه معاویه! موضوعی که خود حضرت نیز از آن اظهار تعجب کرده و فرمودند:

«و شگفتا از این روزگار که مرا قرین کسی ساخته که هرگز چون من برای اسلام قدمی برنداشته و او را در دین سابقه‌ای چون سابقه من نبوده است» (نهج البلاغه، نامه ۹).

۲-۲ محورهای مکاتبات امام علی علیه السلام

۲-۲-۱ استدلال به امامت خود

امام علی علیه السلام در استدلال بر شایستگی خود به خلافت دو شیوه را در پیش گرفتند؛ شیوه اول که در آغاز دوره خلافتشان انجام گرفت، اثبات خلافت به استناد تشابه با خلافت خلفای پیشین بود. این نوع استدلال در نامه‌های ۶ و ۷ نهج البلاغه قابل ملاحظه است. اما در شیوه دوم که در

۱. شماره نامه‌های نهج البلاغه خطاب به معاویه: ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۷، ۴۸، ۴۹، ۵۵، ۶۴، ۶۵، ۷۳ و

میدان صفین صورت پذیرفت، امام علی علیه السلام به آیات قرآن و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله استناد جستند (سلیم ابن قیس الهلالی، ج ۲، صص ۷۶۶-۷۷۵) و حتی برای نقل روایات و نیز شأن نزول آیات مرتبط با امامتشان، از لشگریان خود گواه گرفتند و آنان هم شهادت دادند.

۲.۲.۲ پاسخ به خونخواهی عثمان

خونخواهی عثمان مهم‌ترین حربه‌ای بود که معاویه توانست به وسیله آن مردم شام را با خود همراه کند. معاویه با شستشوی مغزی مردم و وارونه نشان دادن حق و باطل توانست امام علی علیه السلام را در نظر مردم منفور جلوه داده، خود را خیرخواه مردم معرفی نماید. اکنون امام علی علیه السلام باید از طریق نامه پاسخ خود را به معاویه، اطرافیان وی و نیز آیندگان برساند و در برابر هجوم تبلیغات دروغین معاویه از خود دفاع کند. از این رو، پاسخ به خونخواهی عثمان از موضوعاتی است که در بسیاری از نامه‌های امام علی علیه السلام به چشم می‌خورد و حتی امام علی علیه السلام در یکی از نامه‌هایشان به معاویه نوشتند:

«در باره قاتلان عثمان فراوان سخن می‌گویی» (نهج البلاغه، نامه ۶۴).

جالب آنکه هر بار معاویه مسئله خونخواهی عثمان را مطرح می‌کرد، امام علی علیه السلام پاسخ جدیدی می‌داد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که امام علی علیه السلام در مواجهه با خونخواهی عثمان، خودشان را از قتل او تبرئه می‌کنند (همان، نامه ۶)، معاویه را - به دلیل حضور فرزندان عثمان - از محاکمه قاتلان عثمان بیگانه می‌شمارند (سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۷۵۴)، از او می‌خواهند که ابتدا بیعت کند و سپس قصاص بخواهد (نهج البلاغه، نامه ۶۴) و بالاخره معاویه را به عنوان قاتل اصلی عثمان معرفی می‌کنند (همان، نامه ۲۸).

امام علی علیه السلام به همه نشان دادند که معاویه به فکر قصاص قاتلان عثمان نیست، بلکه این کار او ادعایی دروغین و بهانه‌ای برای فریب مردم بود، همان‌طور که برای فریب طفل شیرخوار و مشغول نگه داشتن او از پستانک استفاده می‌شود (همان، نامه ۶۴). نامه‌های ۶، ۹، ۱۰، ۲۸، ۳۷، ۵۵ و ۶۴ متونی است که در نهج البلاغه به خونخواهی عثمان اشاره دارد.

۲.۲.۳ تحقیر معاویه و تعظیم اهل بیت علیهم السلام

یکی از موضوعات حساس در نامه‌های امام علی علیه السلام، بیان فضائل خود و اهل بیت علیهم السلام و تحقیر معاویه است. حساسیت موضوع از آن روست که معمولاً تحقیر دیگران و خودستایی، رفتاری نکوهیده محسوب می‌گردد، چنانچه قرآن کریم مسلمانان را از خودستایی منع کرده

(نجم/۳۲؛ نسا/۴۹۰) و امام علی علیه السلام نیز بر این مطلب تأکید داشته است (نهج البلاغه، نامه ۲۸). از این رو، شایسته است این رفتار امام علی علیه السلام مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد که در خصوص تحقیر معاویه توسط امام علی علیه السلام می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

تحلیل تعابیر تحقیرآمیز امام علیه السلام نسبت به معاویه

الف) بازتاب نامه‌های معاویه

یکی از تعابیر تحقیرآمیز امام علی علیه السلام نسبت به معاویه، این جمله است که فرمود:

«ای پسر صخر لعین، گمان کردی که حلم تو هم‌وزن کوه‌هاست و علم تو بین اهل شک حکم می‌کند؟ درحالی که تو خود سر منافق، کوردل، کم‌عقل، ترسو و رذل هستی...» (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۸، ص ۲۹۵).

با دقت در فضای صدور این متن و برخی متون مشابه، می‌توان دریافت که امام علی علیه السلام هیچ‌گاه آغازگر تحقیر نبوده است و تحقیرهای امام علی علیه السلام در جایی بوده که ابتدا معاویه یا به بیان فضایل خود پرداخته و یا خود را با امام علی علیه السلام مساوی معرفی کرده است. لذا می‌باید نامه‌های امام علی علیه السلام را هم‌زمان و در کنار نامه‌های معاویه مطالعه نمود تا قضاوت در مورد آنها به حقیقت نزدیک‌تر باشد.

ب) داوری با تراز قرآن

یکی دیگر از نکاتی که باید درباره تعابیر نکوهش‌آمیز امام علی علیه السلام نسبت به معاویه مدنظر قرار داد، همخوانی سخنان امام علیه السلام با آیات قرآن کریم درباره منافقان است. زیرا به خوبی می‌توان دریافت که شدت لحن کلام امام علی علیه السلام هم‌پای لحن قرآن بوده و خداوند متعال نیز با منافقان با زبانی گزنده سخن رانده است. برای نمونه قرآن می‌فرماید:

«هنگامی که آنها را می‌بینی، جسم آنان تو را در شگفتی فرو می‌برد و اگر سخن بگویند به سخنانشان گوش فرا می‌دهی اما گویی چوب‌های خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده‌اند! هر فریادی از هر جا بلند شود بر ضد خود می‌پندارند آنها دشمنان واقعی تو هستند پس از آنان بر حذر باش! خداوند آنها را بکشد، چگونه از حق منحرف می‌شوند» (منافقون/۴).

ج) جایگاه بلاغی سخن

زاویه دیگری که می‌توان به مسئله تحقیر معاویه نگر بست، جایگاهی ادبی و بلاغی نامه‌های

امام علیه السلام است. مگر نه این است که امام علی علیه السلام امیر کلام است و بلاغت، سخن گفتن درخور حال و شأن مخاطب است؟ آیا می توان با فردی چون معاویه - با آن همه شیطنت و جنایت - همچون یک فرد فریب خورده ساده رفتار کرد؟ از این رو، طبیعی است که ادبیات امام علی علیه السلام در برابر معاویه نسبت به دیگر مخالفان خود - که ناآگاهانه و یا غافلانه دشمنی می ورزند - تفاوت کند و امام علیه السلام با علم به جسارت و جرأت معاویه، وی را خطاب قرار دهد.

مسئله تحقیر معاویه تقریباً در نیمی از مکاتبات امام علی علیه السلام به معاویه مطرح شده است، که نامه های ۷، ۹، ۱۰، ۱۷، ۲۸، ۳۹، ۴۴، ۶۴ و ۷۳ از آن جمله است. اما در مورد تعظیم و تکریم اهل بیت علیهم السلام توسط امام علی علیه السلام و بیان فضایل خود، می توان به نکات ذیل اشاره نمود:

تحلیل تعابیر ستایش آمیز امام علیه السلام از خویش

الف) معرفی خویش

اگر معرفی انسان از خود فقط به قصد خودستایی و بزرگنمایی باشد، این رفتار مذموم است، اما اگر معرفی وسیله ای برای انجام امری مهم و هدفی متعالی باشد، دیگر نه تنها مذموم نیست بلکه واجب نیز می گردد. چنانچه اگر حضرت یوسف علیه السلام از خودش تعریف نمی کرد و خود را «حفیظ و علیم» (یوسف / ۵۵) معرفی نمی نمود، مأموریت مبارزه با خشکسالی مصر به دست دیگری می افتاد و همه در اثر خشکسالی و قحطی هلاک می شدند. اما حضرت یوسف علیه السلام با این به ظاهر خودستایی، جان مردم مصر را نجات داد. از این رو، امام علی علیه السلام نیز با بیان فضائل و مناقب خویش سعی در معرفی خود و اتمام حجت بر مردم داشتند تا از این طریق حق از باطل مشخص و راه راست از بیراهه تمییز داده شود.

ب) تبیین در برابر تحریف

در برخی موارد، امام علی علیه السلام آنگاه به بیان فضایل خود و اهل بیت علیهم السلام می پرداخت که پیش از آن معاویه با مشوه نمودن حقایق تاریخی، ایشان را همتای خود دانسته و حق حاکمیت را برای خود و امام علیه السلام یکسان می پنداشت. به عنوان نمونه امام علی علیه السلام در این نامه نگاشته است:

«اما این سخنت که گویی "ما فرزندان عبدمناف هستیم" آری ما نیز چنین هستیم، ولی امیه کجا و هاشم کجا؟، حرب کجا و عبدالمطلب کجا؟، ابوسفیان کجا و ابوطالب کجا؟، مهاجر در راه خدا را با آزاد کرده چه نسبت؟ و آنکه نسبی صریح و آشکار دارد، با

آنکه خود را به خاندانی بسته است، هرگز برابر نباشد، آنکه بر حق است همتای آنکه بر باطل است نبود، و مؤمن کجا و دغل کار کجا؟» (نهج البلاغه، نامه ۱۷).

ملاحظه می‌شود که امام علی علیه السلام در این نامه در مقام پاسخ به بخشی از نامه معاویه بر آمده است که وی به لحاظ خانوادگی خود را با امام علی علیه السلام هم‌رتبه دانسته است. معاویه با ادعای یکسانی با امام علی علیه السلام هم می‌توانست جایگاه خود را ترفیع بخشد و هم مقام امام علی علیه السلام را تنزل دهد. اینجاست که اگر امام علی علیه السلام به بیان فضایل خود و اهل بیت علیهم السلام نمی‌پرداختند، در نظر کوتاه‌نظران، معاویه در ادعای یکسانی اش با امام علی علیه السلام پیروز می‌شد.

ج) خنثی‌سازی تبلیغات

معاویه پیوسته به بدگویی نسبت به امام علی علیه السلام می‌پرداخت و به نیروهای تحت امرش در نقاط مختلف به این کار فرمان می‌داد (صحیح مسلم، ج ۱۵، ص ۱۷۴). او امام علی علیه السلام را قاتل عثمان، طلحه و زبیر معرفی می‌کرد و ایشان را حریص حکومت می‌شمرد. چنین فضایی - برای شامیان و نسل بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله که از جایگاه امام علی علیه السلام آگاه نبودند - به چیزی جز نفرت از امام علی علیه السلام و علاقه به معاویه نمی‌انجامید. از این رو، امام علی علیه السلام با بیان فضایل خود و اهل بیت علیهم السلام به دفاع از خود پرداخته و از حقانیت خویش پاسداری می‌نمود.

۲-۲-۴ نصیحت معاویه

با نگاهی به نامه‌های بسیار امام علی علیه السلام به معاویه معلوم می‌گردد که بخش قابل توجهی از مکاتبات امام علی علیه السلام با معاویه، بر موضوع پرهیز از دنیازدگی و دنیاطلبی تمرکز دارد. چنانکه به گواه تاریخ، معاویه فردی دنیا طلب بود و برای رسیدن به قدرت، از انجام هیچ کاری دریغ نمی‌کرد. در واقع امام علی علیه السلام درد معاویه را فهمیده و داروی مخصوص آن را تجویز کرده بود، اما این بیمار نه تنها به دنبال درمان نبود، بلکه به جنگ علیه طیب خود برخاسته بود. نامه‌های شماره ۱۰، ۱۷، ۳۰، ۳۲، ۴۸، ۴۹، ۵۵ و ۶۵ به این موضوع اشاره دارد.

۲-۲-۵ تهدید نظامی

شخصیت امام علی علیه السلام شخصیتی جامع اضداد است. یعنی عتوفت را با خشونت، مهربانی را با قاطعیت، و نصیحت را با تهدید جمع کرده است. امام علیه السلام معاویه را نصیحت می‌کند، اما به خاطر اینکه مبدا معاویه تصور کند امام علی علیه السلام او را به حال خود واگذاشته، تهدید هم می‌کند. جمع بین نصیحت و تهدید در آیات قرآن نیز مشاهده می‌شود (انعام/۱۴۷؛ انفال/۳۸). امام



علی علیه السلام در نامه‌های ۱۰، ۲۸، ۶۴ و ۷۳ معاویه را تهدید نظامی کرده است. برای مثال در نامه ۶۴ نهج البلاغه فرموده است:

«هنوز آن شمشیر که با آن جد مادری و دایی و برادرت را کشتم با من است».

۳- تحلیل آیات قرآن کریم درباره منافقان

آیات قرآن کریم در مورد منافقان به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

دسته اول آیاتی هستند که ناظر به ویژگی‌ها و حالات فردی منافقان است؛ چنانکه کارهایی چون خلف وعده (توبه/۷۵)، دروغ‌گویی (منافقون/۱) و مانند آن نشان دهنده نفاق فردی است. دسته دوم آیاتی را شامل می‌شود که مربوط به نمودهای اجتماعی و سیاسی منافقان است (ویژگی‌های منافقین و مؤمنین از دیدگاه قرآن، صص ۹-۲۸). در این دسته، نفاق به صورت سازمان‌دهی شده، منجر به اقدامات خرابکارانه‌ای مانند تفرقه‌اندازی میان مؤمنان (توبه/۱۰۷)، توطئه‌چینی برای ترور و براندازی نظام اسلامی (توبه/۷۴) و تحریک دشمن برای جنگ با مسلمانان (حشر/۱۱) می‌گردد.

از طرفی دیگر برخی از آیات قرآن کریم به انذار، تهدید و لعنت نسبت به منافقان پرداخته است که این آیات را جزء دسته سوم محسوب می‌نماییم.

۱-۳ آیات ناظر به ویژگی فردی منافقان

در این باره حدود ۴۰ آیه وجود دارد که به جهت اختصار به توضیح چند مورد از آنها اکتفا می‌کنیم.

۱-۱-۳ سرگردانی و دودلی

یکی از ویژگی‌های فردی منافقان، شک و تردید درونی و قلبی آنان است. چنین انسانی چون نتوانسته است به علم و یقین نائل آید و خود را از نظر فکری و روحی قانع سازد، در وادی حیرت و تردید باقی می‌ماند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«منافقان میان کفر و ایمان متحیر و سرگردان‌اند، نه [با تمام وجود] با مؤمن‌اند و نه با کافران و هر که را خدا [به کیفر اعمال زشتش] گمراه کند، هرگز برای او راهی [به سوی هدایت] نخواهی یافت» (نساء/۱۴۳).

۳-۱-۲ هدایت ناپذیری

انسانی که گمراه است قابل هدایت می‌باشد، اما کسی که عالمانه از هدایت فرار می‌کند و گمراهی را ترجیح می‌دهد قابل هدایت نیست؛ و چنانکه گفته‌اند: «انسان خواب را می‌شود بیدار کرد، اما کسی که خود را به خواب‌زده هرگز نمی‌توان بیدار نمود» خدا نیز توفیق هدایت را از چنین انسان‌های لجباز و معاند گرفته است:

«شما را چه شده که درباره منافقین دو گروه شده‌اید؟ [گروهی شفیح و طرفدار، و گروهی مخالف و دشمن آنان] در صورتی که خدا آنان را به کیفر اعمال ناپسندی که مرتکب شده‌اند [در چاه کفر و گمراهی] نگونسار کرده است. آیا می‌خواهید کسانی را که خدا [به خاطر اعمال ناپسندشان] گمراه کرده هدایت کنید؟ [ای پیامبر!] در حالی که خدا هر که را گمراه کند هرگز برای او راهی [به سوی هدایت] نخواهی یافت» (نسا، ۸۸).

با وجود قاطعیت قرآن کریم در بیان هدایت ناپذیری منافقان معاند، اما باز اگر منافقی واقعاً توبه کند، با آغوش باز پروردگار مواجه خواهد شد چنانکه می‌فرماید:

«مگر کسانی که [از گناه بزرگ نفاق] توبه کردند، و [مفاسد خود را] اصلاح نمودند، و به خدا تمسک جستند، و عبادتشان را برای خدا خالص ساختند؛ پس آنان در زمره مؤمنان‌اند، و خدا به مؤمنان پاداشی بزرگ خواهد داد» (نسا، ۱۴۶).

۳-۱-۳ ظاهر آباد و باطن خراب!

انسان منافق همواره در اندیشه خودنمایی و نشان دادن چهره‌ای مقبول از خود است. زیرا در صورت کشف باطن و حقیقت او، از سوی مؤمنان طرد می‌شود و دیگر نمی‌تواند به اهداف خائنانه خود برسد. منافق چنان ظاهر خود را می‌آراید و چنان زیبا سخن می‌گوید که مؤمنان به شگفت می‌آیند. قرآن کریم می‌فرماید:

«چون آنان را ببینی جسم و ظاهرشان [از آراستگی و وقار] تو را به شگفت آورد، و اگر سخن گویند [به علت شیرینی و جذابیت کلام] به سخنانشان گوش فرا می‌دهی [اما از بوچی باطن و سبک مغزی و دورویی] گویی چوب‌های خشکی هستند که به دیواری تکیه دارند [و در حقیقت اجساد بی‌روح‌اند که در هیچ برنامه‌ای اطمینانی به آنان نیست، از شدت ترسو بودن] هر فریادی را به زیان خود می‌پندارند» (منافقون/۴).



۳-۲ آیات ناظر به ویژگی اجتماعی منافقان

در این زمینه حدود ۲۰ آیه وجود دارد که جهت اختصار به توضیح چند مورد از آنها اکتفا می‌شود.

۳-۲-۱ اقدامات اصلاح نما

منافقان با انجام اعمالی به ظاهر معنوی، مقاصد شوم خود را دنبال می‌کنند، تا با این پوشش، جوایی برای مؤمنان داشته باشند. آنها خود را مصلح (بقره/۱۱) معرفی می‌کنند و برای اینکه دیگران حرفشان را باور کنند از سوگندهای شدید (بقره/۲۰۴؛ توبه/۶۲) باکی ندارند، و کمین‌گاه‌هایی با عنوان مسجد و امثال آن می‌سازند. قرآن کریم نیز این گونه مساجد را ضرار نامیده و می‌فرماید:

«و [از منافقان] کسانی هستند که بر پایه نفاق مسجدی ساختند، این مسجد برای آسیب زدن به اسلام و ترویج کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاهی است برای [گردآمدن] کسانی که پیش از این با خدا و پیامبرش جنگیده بودند، سوگند سخت می‌خورند که ما با ساختن این مسجد جز خوبی [و خدمت] قصدی نداشتیم، ولی خدا گواهی می‌دهد که بی‌تردید آنان دروغگویند» (توبه/۱۰۷).

۳-۲-۲ پیمان شکنی

منافقان هنگام عهد بستن چنان با اطمینان و قاطعیت سخن می‌گویند که جای هیچ شکلی را برای طرف مقابل باقی نمی‌گذارند، اما هنگامی که باید به پیمانشان وفا کنند، آن را فراموش کرده، از آن اعراض می‌کنند؛ قرآن کریم می‌فرماید:

«آیا کسانی را که نفاق ورزیدند ندیدی؟ که به برادران کافرشان از اهل کتاب می‌گویند: اگر شما را [از خانه و دیارتان] بیرون کردند، ما هم قطعاً با شما بیرون می‌آییم، و هرگز فرمان کسی را بر ضد شما اطاعت نمی‌کنیم، و اگر با شما جنگیدند، همانا شما را یاری می‌کنیم، و خدا گواهی می‌دهد که آنان دروغگویند. اگر [کافران از اهل کتاب را] بیرون کنند با آنان بیرون نمی‌روند، و اگر با آنان بجنگند یاریشان نمی‌دهند، و اگر یاری دهند در گرماگرم جنگ پشت‌کنان می‌گریزند، آنگاه [کافران اهل کتاب] یاری نمی‌شوند» (حشر/۱۱ و ۱۲).

۳-۳ آیات ناظر به تحقیر و تهدید منافقان

در این باره حدود ۱۰ آیه وجود دارد. در این آیات نسبت به منافقان تعابیر مختلفی از جمله تهدید به قتل (احزاب/۶۱)، وعده عذاب (نساء/۱۳۸؛ توبه/۶۸)، آمرزیده نشدن حتی با استغفار پیامبر ﷺ (منافقون/۶)، مشمول خشم و لعنت خدا بودن (فتح/۶) و مانند آن به کار رفته است و در نهایت جایگاه منافقان در قیامت، پایین ترین طبقه‌ی جهنم بیان شده است: «بی‌تردید منافقان در پایین‌ترین طبقه از آتش‌اند و هرگز برای آنان یآوری نخواهی یافت» (نساء/۱۴۵).

۴- تحلیل تطبیقی نامه‌های امام‌های علی و آیات قرآن

مطالعه تطبیقی موضوعات متناظر در هر یک از دو منبع، در دو قالب «صوری» و «محتوایی» قابل انجام است. در مقایسه صورت‌شناسی، واژگان، ساختار و ویژگی‌های ادبی متن مورد توجه قرار می‌گیرد و در مقایسه موضوع‌شناسی، مباحث و موضوعات کلام امام علی با آیات قرآن سنجیده می‌شود.

۴-۱ مقایسه صوری

۴-۱-۱ به کارگیری صناعات ادبی

به کارگیری صنایعی همچون سجع، ایجاز، تشبیه، استعاره، تمثیل و غیره از جمله ویژگی‌هایی است که به جهت مایه‌های غنی فصاحت و بلاغت در قرآن و نهج البلاغه، به وفور در نامه‌های امام علی و آیات التَّفَاق دیده می‌شود که برای نمونه تنها به ذکر ویژگی تشبیه اکتفا می‌کنیم:

تشبیه منافقان در قرآن و نهج البلاغه

خداوند متعال برای بیان ویژگی‌ها و خصوصیات منافقان، گاه از صنعت تمثیل و تشبیه بهره برده است و منافقان را به اموری چند تشبیه نموده است، از جمله: الف) تشبیه به کسی که در تاریکی بیابان آتشی روشن می‌کند تا راه را بیابد، اما به محض روشن شدن آتش، خداوند صاعقه‌ای می‌فرستد و آتش را خاموش می‌کند و منافق مانند انسان کر و کور و لال در تاریکی سرگردان می‌ماند (بقره/۱۷ و ۱۸).



ب) تشبیه به شیطان و اینکه مانند شیطان وعده می دهند و سپس از پیروان خود بیزار می جویند (حشر/۱۴).

پ) تشبیه به سنگ سختی که بر روی آن مقداری خاک قرار دارد، اما این خاک قابلیت کشت و اخذ محصول ندارد و با آمدن بارانی تند از بین رفته و سنگ بدون خاک به حالت اول برمی گردد (تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۸۲).

ت) تشبیه به چوب های خشکی که به دیوار تکیه داده شده اند (منافقون/۴).
امام علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه تشبیه های مختلفی را برای معاویه ذکر کرده که در ذیل اشاره می شود:

الف) تشبیه به کسی که پیروانش را در دریایی تاریک و موج رها کرده است (نهج البلاغه، نامه ۳۲) و در نتیجه راه نجاتی برای آنان نیست. این تشبیه را می توان هم ردیف تشبیه منافق به انسان گم شده در بیابان تاریک دانست که در قرآن آمده است.

ب) تشبیه به شیطان (نهج البلاغه، نامه ۴۴؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۲۹۴)؛ و این بیشترین تشبیهی است که درباره معاویه ذکر شده است. علاوه بر این، امام علی علیه السلام بارها به معاویه در مورد تسلط شیطان بر جسم و روحش هشدار داده اند.

پ) تشبیه به کسی که از نردبانی بالا رفته است، لیکن این نردبان نه تنها او را به اوج نرسانده، بلکه به محل خطرناکی رسانده است (نهج البلاغه، نامه ۶۴). چنین شخصی هر چه بالاتر رود در نهایت با شدت بیشتری به زمین پرت خواهد شد.

ت) تشبیه معاویه در نوشتن نامه های بسیار به کسی که پایش در گل فرورفته و سرگردان است (همان، نامه ۶۵). چنین شخصی به گمان نجات، تلاش بسیار می کند اما نمی داند که هرچه بیشتر دست و پا بزند، بیشتر در گل فرو می رود.

ث) امام علی علیه السلام کسی که در خوابی سنگین فرو رفته و خواب های دروغ می بیند، و حیرت زده ای که سرگردان ایستاده و از ایستادن به مشقت افتاده، و نمی داند آنچه به سراغش می آید به سود اوست یا به زیانش را به معاویه تشبیه نمودند (همان، نامه ۷۳). در واقع امام علی علیه السلام در این تشبیه لطیف، با جابجایی مشبه و مشبه به، معاویه را برای چنین حالتی مثال زده اند، نه اینکه وی نیاز به تمثیل داشته باشد؛ از این رو با تصریح به این نکته فرمودند:

«وَلَسْتَ بِهٖ غَيْرَ اَنَّهُ بِكَ شَبِيهٌ»؛

البته تو همانند او نیستی، [بلکه] او همانند توست» (نهج البلاغه، نامه ۷۳).

۲-۱-۴ استنادات قرآنی نهج البلاغه

ویژگی دیگری که در مقایسه میان نامه‌های امام علی علیه السلام و آیات نفاق به خوبی قابل دریافت است، وام‌گیری امام علی علیه السلام از قرآن کریم و تضمین آیات وحی در بعضی از نامه‌هاست. در چنین مواردی به روشنی می‌توان بر همبستگی و پیوستگی قرآن صامت و ناطق استدلال کرد و آن را نشانه اعتبار و اتقان نهج البلاغه به شمار آورد. برخی از استنادات قرآنی نامه‌های امام علیه السلام از قرار ذیل است:

الف) امام علی علیه السلام در نامه ۲۸ برای آشکار ساختن نقش معاویه در قتل عثمان، به آیه ۱۸ سوره احزاب استناد کردند.

پ) در همان نامه امام علیه السلام برای بیان نقش اصلاحگری خود در خلافت عثمان، به آیه ۸۸ سوره هود استناد نمودند.

ت) ایشان به زیبایی با استناد به آیه ۷۱ سوره زمر و آیه ۱۳ سوره نوح، معاویه را از مصادیق آن آیات دانسته و فرمودند:

«وَلٰكِنْ عِظْتِي لَا تَنْفَعُ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ وَ لَمْ يَخَفِ الْعِقَابَ وَلَا يَرْجُو لِلّٰهِ
وَقَارًا وَ لَمْ يَخَفْ لَهُ جِدَارًا» (شرح نهج البلاغه، ابن میثم، ج ۴، ص ۳۵۶).

ث) ایشان همچنین معاویه را از کسانی دانستند که سعی در خاموش کردن نور خدا دارد، اما خدا نورش را کامل می‌کند، هرچند که کافران را خوش نیاید. این عبارت، همان مضمون آیه ۳۲ سوره توبه است که در نامه‌های امام علی علیه السلام انعکاس یافته است (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۸، ص ۲۹۴).^۱

۲-۴ مقایسه محتوایی

مقایسه میان دو منبع یاد شده در بخش محتوا نشان می‌دهد که مضامینی که در هر دو منبع آمده است به نحو چشمگیری با یکدیگر همخوانی دارند و موارد مشترک (۱۴ مورد) بسیار بیشتر از موارد اختلافی (۲ مورد) است. جدول ذیل به روشنی موضوعات مشترک را نشان می‌دهد:

۱. علاوه بر این، امام علی علیه السلام برای روشن ساختن حق امامت خود به آیات بسیاری از قرآن استناد نمودند که به جهت رعایت اختصار به کتاب‌های مرتبط ارجاع می‌دهیم. ر.ک: کتاب سلیم ابن قیس، ج ۲، ص ۷۶۶-۷۷۵.

ردیف	عنوان	نامه‌های امام علی <small>علیه السلام</small> (از نهج البلاغه)	قرآن کریم
۱	مهر بر قلب	به خدا سوگند تو چنانکه دریافتیم، دلی فروبسته داری و خردی اندک. (نامه ۶۴)	[صفت زشت نفاق] به سبب آن است که آنان [نخست] ایمان آوردند، سپس کافر شدند در نتیجه بر دل‌هایشان مهر [تیره‌بختی] زده شد، به این علت [حقایق را] نمی‌فهمند. (منافقون/۳)
۲	وعده عذاب	اگر خداوند مرا بر تو (عمرو عاص) و پسر ابوسفیان چیرگی دهد، سزای اعمالتان را بدهم، و اگر شما مرا ناتوان کردید و برجای ماندید، عذاب خدا که پیش روی شماست برای شما بدتر است. (نامه ۳۹)	خدا آتش دوزخ را به مردان و زنان منافق و کافران وعده داده، در آن جاودانه‌اند، همان برای آنان بس است و خدا لعنتشان کرده و برای آنان عذابی پایدار است. (توبه/۶۸)
۳	دروغ‌گویی	مشتی دروغ ساخته‌ای و در اذهان عوام انداخته‌ای. (نامه ۶۵) ... تو و مردم شام این بهتان (قتل عثمان) را ساختید. (نامه ۵۵)	چون منافقان نزد تو آیند، می‌گویند: گواهی می‌دهیم که تو بی‌تردید فرستاده خدایی و خدا می‌داند که تو بی‌تردید فرستاده اوئی و خدا گواهی می‌دهد که یقیناً منافقان دروغ‌گویند. (منافقون/۱)
۴	بازداشتن مردم از راه خدا	بسیاری از مردم را به گمراهی خویش فریب دادی و به تباهی افکندی و به امواج نفاق خود سپردی. (نامه ۳۲)	سوگندهایشان را [برای شناخته نشدن نفاقشان] سپر گرفته در نتیجه [مردم را] از راه خدا بازداشته‌اند. (منافقون/۲)
۶	تشبیه به شیطان	از معاویه بر حذر باش که او شیطان است و از روبرو و پشت سر و راست و چپ نزد آدمی می‌آید تا به هنگام غفلت فرصت یافته مقهورش سازد و عقلش را برباید. (نامه ۴۴)	[داستان منافقان که کافران از اهل کتاب را با وعده‌های دروغ فریفتند] چون داستان شیطان است که به انسان گفت: کافر شو. هنگامی که کافر شد گفت: من از تو بیزارم، من از خدا که پروردگار جهانیان است می‌ترسم. (حشر/۱۶)



الف) نصیحت و خیرخواهی منافقان

علی‌رغم پیوند تنگاتنگ قرآن و نهج البلاغه در حوزه‌های مختلف، به نظر می‌رسد که در مسئله نصیحت و خیرخواهی منافقان، امام علی علیه السلام متفاوت با قرآن عمل کرده است؛ چرا که قرآن کریم منافقان را لایق نصیحت نمی‌داند (نسا، ۸۸)، اما امام علی علیه السلام در نامه‌هایش به معاویه از نصیحت و خیرخواهی دریغ نرورزیده است. همچنین لحن آیات قرآنی خطاب به منافقان قاطعانه و بدون هیچ گونه ملاحظه‌ای است، لیکن در لحن امام علی علیه السلام علاوه بر قاطعیت، دلسوزی و خیرخواهی نیز مشاهده می‌شود. از این رو، این سوال مطرح می‌گردد که چرا امام علی علیه السلام در برابر فردی چون معاویه چنین عکس‌العملی نشان دادند؟ چرا به نامه‌های پراکنده، پیاپی و پوچ معاویه پاسخ دادند؟ آیا به هدایت او امیدوار بودند؟ برای پاسخ به این سوالات شایسته است به مطالعه دقیق نامه‌های امام علیه السلام پرداخته و نکات مرتبط را استخراج نماییم:

علل مواجهه خیرخواهانه امام علیه السلام با معاویه

۱- اتمام حجت

امام علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به معاویه فرمودند:

«من علی‌رغم علم به گذشته‌ات، تو را موعظه می‌کنم، زیرا خدای تعالی از علما پیمان گرفته است تا حق امانت را ادا کنند» (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۸، ص ۲۹۳).

این کلام امام علی علیه السلام نشان می‌دهد که ایشان به هدایت معاویه امیدوار نبودند، لکن نصایح شان برای اتمام حجت با او بود که این امر نیز خود برگرفته از قرآن کریم است که می‌فرماید اهل حق برای اتمام حجت با معاندان و نیز معذور بودن در پیشگاه حضرت حق در موعظه کوتاهی نمی‌کنند (اعراف/۱۶۴) هر چند نصایح حکیمانه جز قساوت بر دل معاندان نخواهد افزود (توبه/۱۲۵).

۲- هدایت دیگران

امام علیه السلام در نامه‌ای دیگر خطاب به معاویه نوشتند:

«به خدا قسم این نامه را برای تو نوشتم و مطمئن هستم که تو از آن نفع نمی‌بری ... لیکن من به کاتبم گفتم که این نامه را برای شیعیان و اصحابم تکثیر کند تا نفع برند، یا یک نفر از یاران تو آن را بخواند و خدا او را از گمراهی بسوی هدایت خارج کند و لذا دوست دارم که با تو احتجاج کنم» (سلیم ابن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۷۷۵ - ۷۷۶).

ملاحظه می‌شود که هدف امام علی علیه السلام در نامه‌هایشان فراتر از هدایت فردی چون معاویه بوده است و ایشان در جایگاه هادی امت، دیگر مخاطبان حتی اطرافیان معاویه را نیز در نظر داشته‌اند. ایشان همچنین در نامه‌ای دیگر تعبیری چون «غَیْرَ مُخْبِرِکَ» و «هَذِهِ حُجَّتِي إِلَى غَیْرِکَ قَضُهَا» (نهج البلاغه، نامه ۲۸) را به کار برده‌اند که به‌طور ضمنی اشاره به مخاطب نبودن معاویه در برخی از نامه‌ها دارد.

۳- مصلحت سنجی

امام علیه السلام در نامه‌ای دیگر فرمودند:

«من از اینکه پی در پی به نامه‌هایت پاسخ می‌دهم و به گفته‌هایت گوش می‌سپارم، پندارم که مردی سست رأی شده‌ام و در فراست و هوشیاری گرفتار خطا گشته‌ام ... به خدا سوگند اگر نمی‌خواستم که زنده بمانی، بلاهایی از من به تو می‌رسید که استخوانت را خرد سازد و گوشت تنت را آب کند» (همان، نامه ۷۳).

به خوبی روشن است که امام علیه السلام از تسویف و تأخیر در مقابله با معاویه، اهداف مهمی را دنبال می‌کردند که نامه‌نگاری‌های پیاپی و پاسخ‌گویی‌های متعدد ایشان را توجیه‌پذیر می‌نمود. شاید بتوان این رفتار امام علی علیه السلام را هم‌سوی تأخیر نزول عذاب الهی بر مجرمان دانست (طه/۱۲۹)؛ چرا که از منظر قرآن کریم تأخیر در عذاب دو دلیل دارد: یکی اتمام حجت و آزمایش نهایی مجرمان و دیگری سنت استدراج (انبیاء، ۱۱۱) و فرصت دادن به کسانی است که ایمان نمی‌آورند ولی در این جهان بهره می‌برند و بر گناهان خویش می‌افزایند.

(ب) استدلال و پاسخ به ادعاهای دروغین

قرآن کریم در موارد بسیاری به احتجاج با کافران و مشرکان پرداخته است، اما نسبت به منافقان هیچ‌گونه گفتگوی مستدلی انجام نداده است، زیرا از نظر قرآن منافقان کسانی هستند

که پس از شنیدن و فهم کلام خدا و حتی پس از ایمان آوردن، عالمانه کافر می‌شوند و کلام خدا را به نفع خود تغییر می‌دهند (بقره/۷۵؛ توبه/۷۴). در چنین انسان‌هایی هیچ استدلال و منطقی اثر نخواهد داشت. لکن در نامه‌های امام علی علیه السلام شاهد استدلال‌های مختلف برای اثبات خلافت و امامت و نیز تبرئه نمودن از اتهام قتل عثمان هستیم. اینک این سؤال شکل می‌گیرد که وقتی معاویه عالمانه و عامدانه خلافت امام علی علیه السلام را باطل می‌شمارد و ایشان را در قتل عثمان شریک می‌داند، چرا امام علی علیه السلام با او استدلال می‌کنند، درحالی‌که معاویه از هر شخص دیگری به واقعیت آگاه‌تر بود؟ چرا امام علی علیه السلام مانند قرآن از استدلال با معاویه خودداری نورزید؟ برای پاسخ به این سؤال به موارد ذیل اشاره می‌گردد.



علل پاسخگویی امام علیه السلام به معاویه

۱- روشننگری افکار عمومی

چنانکه گذشت، قرآن کریم استدلال با منافقان را بیهوده شمرده است، اما اگر منافقی با افکار پلید خود قصد گمراه ساختن دیگران را داشته باشد، لازم است برای هدایت مردم با وی احتجاج کرد تا در افکار عمومی پیروز نشود. امام علی علیه السلام خود با عبارت «حُجَّتِي إِلَى غَيْرِكَ قَصْدُهَا» (نهج البلاغه، نامه ۲۸) تصریح کردند که استدلال‌هایشان برای هدایت معاویه نبوده است، بلکه برای مردم فریب خورده‌ای بود که از واقعیات تحریف شده توسط معاویه بی‌اطلاع بودند.

۲- جایگاه پوشالی معاویه نزد ساده لوحان

قرآن کریم در شرایطی از استدلال با منافقان خودداری ورزیده که با چهره‌های شناخته شده نفاق روبه‌رو بوده است، اما امام علی علیه السلام در شرایطی قرار داشت که نه تنها معاویه به نفاق مشهور نبود، بلکه به عنوان خلیفه مسلمین تصدی‌گری داشت. در چنین موقعیتی امام علی علیه السلام باید با کسی احتجاج کند که گروهی از مردم او را به مسلمانی و حتی جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفته‌اند. از این رو، شاید اگر مسلمانان نسبت به نفاق و ادعاهای دروغین معاویه آگاهی داشتند، دیگر نیازی به حضور مظلومانه امام علیه السلام در دفاع از حق خود و رفع اتهامات نمی‌بود.

نتیجه‌گیری

برخی از نتایج و دستاوردهای این تحقیق از قرار ذیل است:

۱. از مقایسه تطبیقی میان بخشی از کلمات امام علی علیه السلام و قرآن کریم روشن گردید که پیوند قرآن و امام علی علیه السلام حقیقتی ثابت و انکار ناپذیر است و این معیت و همراهی در همه‌ی ابعاد اعم از جنبه‌های ادبی و محتوایی ریشه دوانده است.
۲. به جهت همخوانی و همسویی نزدیک نهج البلاغه با آیات کریمه قرآن، اثبات گردید که این مجموعه‌ی برگزیده از کلمات امام علی علیه السلام، کتابی معتبر و مستند است که بخش قابل توجهی از معارف نورانی علوی را در خود جای داده است.
۳. بررسی تطبیقی مکاتبات امام علی علیه السلام و معاویه حکایت از آن دارد که ادبیات امام علی علیه السلام در اکثر موارد هماهنگ با ادبیات قرآن است و به غیر از مواردی چند که قابل تحلیل و توجیه بوده، تفاوتی میان منطق امام علی علیه السلام و قرآن وجود نداشته است.
۴. همخوانی قرآن و نهج البلاغه در مکاتبات امام علی علیه السلام ثابت نمود که - علی‌رغم تبلیغات دستگاه اموی و پیروان ایشان - معاویه یکی از چهره‌های شاخص نفاق در صدر اسلام بوده و از حقیقت اسلام و تعالیم نورانی آن بهره‌ای نداشته است.
۵. و در نهایت، تعامل عبرت آموز امام علی علیه السلام با معاویه موجب گردید تا یک الگوی رفتاری کامل، نصب‌العین مسلمانان قرار گیرد و برای همیشه تاریخ، در مواجهه با منافقان از آن بهره‌گیری نمایند.



کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان؛
۲. نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۷ هـ.ش؛
۳. اندیشه سیاسی علوی در نامه‌های نهج البلاغه، بهشتی، احمد، ماهنامه مکتب اسلام، سال ۴۶ شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۸۵، ص ۱۴؛
۴. بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، مجلسی، محمدباقر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ هـ.ش؛
۵. بررسی تاریخی ابقاء یا عزل معاویه از سوی امام علی علیه السلام با استناد به نامه‌های رد و بدل شده، رستمی نجف آبادی، محمد، فصلنامه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، شماره ۹، تابستان ۱۳۸۷، ص ۷۹-۱۰۳.
۶. بررسی تطبیقی ساختار حکومت علی علیه السلام با معاویه، کریمی، علی (۱۳۸۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۷. بررسی تطبیقی شاخص‌های حکمرانی در سیره علوی و اموی (با تاکید بر معاویه)، عمرانی، سجاد (۱۳۹۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث، شهرری؛
۸. تاریخ یعقوبی، احمد ابن ابی‌یعقوب، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ هـ.ش؛
۹. تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین علی علیه السلام و معاویه، جانی پور، محمد، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰ هـ.ش؛
۱۰. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، چاپ سی و ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ هـ.ش؛
۱۱. دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، محمدی ری‌شهری، محمد، ترجمه: عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۶ هـ.ش؛
۱۲. رابطه نهج البلاغه با قرآن، مصطفوی، جواد، تهران، بن‌یاد نهج البلاغه، ۱۳۵۹ هـ.ش؛
۱۳. الرسائل السياسية بین الإمام علی علیه السلام و معاویه دراسة و تحلیل زبیدی، عبدالرضا، قم، انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۹ هـ.ش؛
۱۴. روابط بینابینی قرآن با خطبه‌های نهج البلاغه، مسبوق، سیدمهدی، فصلنامه

- تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ۱۰ شماره ۲، ۱۳۹۲ هـ.ش، ص ۲۰۵-۲۲۴؛
۱۵. سیاست و مدیریت سیاسی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام با تأکید بر بررسی مکاتبات علی علیه السلام و معاویه، جانی پور، محمد، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۲۱-۱۴۸؛
۱۶. شخصیت و نقش اجتماعی معاویه در نهج البلاغه، اسلامی خرمی، روح اله، پایان نامه سطح سه، حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹ هـ.ش؛
۱۷. شرح لغات غریب نهج البلاغه (بخش نامه های حضرت علی علیه السلام به معاویه)، نوری، سیداسماعیل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۲ هـ.ق؛
۱۸. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ هـ.ق؛
۱۹. شرح نهج البلاغه، کمال الدین میثم ان علی بن میثم البحرانی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی تا؛
۲۰. صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج، چاپ هجدهم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۳۱ هـ.ق؛
۲۱. الغارات، ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، جلد دوم، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ هـ.ق؛
۲۲. قرآن در آئینه نهج البلاغه، مصباح یزدی، محمدتقی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹ هـ.ش؛
۲۳. کتاب سلیم ابن قیس، سلیم بن قیس الهمالی العامری الکوفی، تحقیق محمدباقر انصاری زنجانی خوئینی، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۳ هـ.ش؛
۲۴. نقد و بررسی مباحث تاریخی نامه ۳۶ در ترجمه ها و شرح های نهج البلاغه، چلونگر، محمدعلی، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۸۹، ص ۸۰-۹۲؛
۲۵. وقعة صفین، نصر بن مزاحم، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ افسست از نسخه الموسسه العریبه الحدیثه قاهره، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق؛
۲۶. ویژگی های منافقین و مؤمنین از دیدگاه قرآن، جهانشاه، ناصر، تهران، بعثت، بی تا.